

Unit Seven

Are These the Best Years of Your Life

Made By : Milad Arjmand & Bitah salahshour

Channel : @SumsEn12

Unit 7

Pre-reading Activities

1. At what age are people the happiest, the most productive, the most stubborn, the strongest, the most pessimistic, the most creative, the healthiest,?

۱. مردم در چه سنی شادترین، پر بازده ترین، سرسخت ترین، قوی ترین، بدبین ترین، خلاق ترین، سالم ترین، ... هستند؟

2. Is it the same for both males and females?

۲- آیا برای مرد ها و زن ها یکسان است؟

A. Now skim the reading selection and find the main idea.

B. Study the flowing words and their meaning, Then complete the sentences below

ups and downs (n)

the good things and bad things that happen in life or in a particular situation or relationship

فراز و نشیب :

چیزهای خوب و بدی که در زندگی یا در یک موقعیت یا رابطه خاص اتفاق می افتد

trade-off (n)

an acceptable balance between two opposing things; exchange; give and take

مبادله:

تعادل قابل قبول بین دو چیز متضاد؛ تبادل؛ بده و بستان

ingenuity: (n)

skill at inventing things; thinking of new ideas; inventiveness.

نبوغ:

مهارت در اختراع چیزها؛ فکر کردن به ایده های جدید؛ اختراع

reassuring (adj)

making you less worried or uncertain about something

اطمینان بخش:

باعث می شود در مورد چیزی کمتر نگران یا نامطمئن شوید

possess (v)

to own or have something

در اختیار داشتن:

داشتن چیزی

bonus (n)

anything pleasant that is extra than you were expecting

جایزه:

هر چیزی خوشایند که بیشتر از چیزی باشد که انتظارش را داشتید

deny (v)

to say that something is not true; to refuse to admit or accept something

انکار:

گفتن اینکه چیزی درست نیست امتناع از پذیرش یا قبول کردن چیزی

veteran(n)

a person with a lot of experience in a particular area or activity

کهنه کار:

فردی با تجربه زیاد در زمینه یا فعالیت خاص

on the verge of (idm)

about to happen or do something

در آستانه:

در شرف وقوع یا انجام کاری

determination (n)

the quality of continuing to try to do something even when it is difficult

عزم ، تصمیم ، قصد ، تعیین :

کیفیت ادامه تلاش برای انجام کاری حتی زمانی که دشوار است

foster (v)

help to develop an idea, skill, feeling, etc.; encourage; promote

پرورش دادن، پروردن:

کمک به توسعه یک ایده، مهارت، احساس و غیره؛ تشویق کردن؛ ترویج

1. The doctor's reassuring smile after the operation made the parents feel hopeful about their child's health.

۱. لبخند اطمینان بخش پزشک بعد از عمل باعث شد والدین نسبت به سلامت فرزندشان امیدوار باشند.

2. The health ministry's aim is to foster the use of healthful food among people.

۲. هدف وزارت بهداشت ترویج استفاده از غذای سالم در بین مردم است.

3. I love the job, and it's an added bonus that it's so close to home.

۳. من عاشق این کار هستم، و این یک امتیاز اضافی است که خیلی به خانه نزدیک است.

4. Dr. Jones is a -20year veteran of the internal department at this hospital.

۴. دکتر جونز یک جانباز ۲۰ ساله از بخش داخلی این بیمارستان است.

5. Working women have to make a trade-off between their jobs and their families.

۵. زنان شاغل باید بین شغل خود و خانواده خود مبادله ای (برای تعادل) ایجاد کنند.

6. People's success may depend on different factors such as talent, lady luck, etc, but it has been proved that determination to succeed has the most important part to play.

۶. موفقیت افراد ممکن است به عوامل مختلفی مانند استعداد، شانس خانم و غیره بستگی داشته باشد، اما ثابت شده است که عزم برای موفقیت مهمترین نقش را دارد.

7. She's been on the verge of having a nervous breakdown ever since she lost her job.

۷. او از زمانی که کارش را از دست داده در آستانه حمله عصبی بوده است.

8. All of us possess some qualities and abilities that we never make use of.

۸. همه ما دارای برخی ویژگی ها و توانایی ها هستیم که هرگز از آنها استفاده نمی کنیم.

9. Health experts constantly use their ingenuity to find new ways of getting rid of physical and mental disorders.

۹. متخصصان سلامت به طور مداوم از نبوغ خود برای یافتن راه های جدید، راهی از اختلالات جسمی و روانی استفاده می کنند.

10. Nobody can deny the important role of women in social activities around the world.

۱۰. هیچ کس نمی تواند منکر نقش مهم زنان در فعالیت های اجتماعی در سراسر جهان شود.

Reading

Are These the Best Years of Your Life

آیا این سالها بهترین سالهای زندگی شماست؟

Which are the best years of life? All of us ask ourselves this question from time to time, and we probably come up with different answers.

بهترین سال های زندگی کدامند؟ همه ما هر از گاهی این سوال را از خود می پرسیم و احتمالاً به پاسخ های متفاوتی می رسیم.

The reason seems to be that different periods are related to different kinds of achievement. This article looks at specific areas of achievement and relates these areas to specific periods of life.

بهترین سال های زندگی کدامند؟ همه ما هر از گاهی این سوال را از خود می پرسیم و احتمالاً به پاسخ های متفاوتی می رسیم.

The ups and downs of life may seem to have no predictable plan.

به نظر می رسد فراز و نشیب های زندگی برنامه قابل پیش بینی ندارد.

But scientists now know there are very definite life patterns that almost all people share.

اما دانشمندان اکنون می دانند که الگوهای زندگی بسیار مشخصی وجود دارد که تقریباً همه افراد در آنها مشترک هستند.

Today, when we live 20 years longer than our grandparents and when women mysteriously outlive men by seven years, it is clearer than ever that the "game of life" is really a game of trade-offs.

امروز، زمانی که ما ۲۰ سال بیشتر از پدربزرگ و مادربزرگ خود زندگی می کنیم و زمانی که زنان به طور مرموزی هفت سال بیشتر از مردان عمر می کنند، واضح تر از همیشه است که «بازی زندگی» واقعاً یک بازی مبادله است.

As we age, we trade strength for ingenuity, speed for thoroughness, passion for reason. These exchanges may not always seem fair but at every age, there are some advantages.

با افزایش سن، قدرت را با نبوغ، سرعت را با دقت و اشتیاق را با خرد عوض می کنیم. این مبادلات ممکن است همیشه منصفانه به نظر نرسند، اما در هر سنی، مزایایی وجود دارد.

So it is reassuring to note that even if you've passed some of your "primes," you still have other prime years to experience in the future. Certain important primes seem to peak later in life.

بنابراین توجه به این نکته اطمینان بخش است که حتی اگر برخی از «اول‌های» خود را پشت سر گذاشته باشید، هنوز سال‌های اصلی دیگری برای تجربه در آینده دارید. به نظر می رسد برخی از اعداد اول مهم بعداً در زندگی به اوج خود می رسند.

When Are You Smartest? From 18 to 25, according to I.Q. scores, but you're wiser and more experienced with increasing age.

چه زمانی باهوش ترین هستید؟ از ۱۸ تا ۲۵ طبق I.Q. امتیاز می گیرد، اما با افزایش سن عاقل تر و با تجربه تر می شوید.

You're sharpest in your 20's; around 30, memory begins to decline, particularly your ability to perform mathematical computations. "But your I.Q. for other tasks climbs," says Berkeley psychologist Arthur Jensen. Your vocabulary at age 45, for example, is three times as great as when you graduated from college.

شما در ۲۰ سالگی تیزترین هستید. در حدود ۳۰، حافظه شروع به کاهش می کند، به ویژه توانایی شما برای انجام محاسبات ریاضی. اما I.Q. شما، آرتور جنسن، روان شناس برکلی می گوید: برای کارهای دیگر بالا می رود. به عنوان مثال، دایره لغات شما در ۴۵ سالگی سه برابر زمانی است که از دانشگاه فارغ التحصیل شده اید.

At 60, your brain possesses almost four times as much information as it did at age 21. This trade-off between sharpness and wisdom has led psychologist Dr. Leopold Bellak to suggest that "maturity quotients" (M.Q.'s instead of I.Q.'s) be adopted for adults.

در ۶۰ سالگی، مغز شما تقریباً چهار برابر بیشتر از ۲۱ سالگی اطلاعات دارد. این مبادله بین تیزبینی و خرد، روانشناس دکتر لئوپولد بلاک را بر آن داشته تا پیشنهاد کند که «ضریب بلوغ» (M.Q.s به جای I.Q.s) برای بزرگسالان پذیرفته شود.

When Are You Healthiest? For men, from 15 to 25; for women from 15 to 30.

چه زمانی سالم تر هستید؟ برای مردان از ۱۵ تا ۲۵ سال؛ برای خانم های ۱۵ تا ۳۰

"A man is in his best shape in the decade before age 25," says New York internist Dr. Donald Tompkins.

دکتر دونالد تامپکینز، متخصص داخلی نیویورک، می گوید: «یک مرد در دهه قبل از ۲۵ سالگی در بهترین حالت خود قرار دارد.

"His muscles are firmest, his resistance to colds and infections is highest, and his body is most efficient in utilizing nutrients." Women, for reasons scientists do not understand, get a five-year bonus.

ماهیچه های او قوی ترین، مقاومت او در برابر سرماخوردگی و عفونت ها بالاترین است و بدنش در استفاده از مواد مغذی کارآمدتر است.» زنان، به دلایلی که دانشمندان درک نمی کنند، پاداش پنج ساله دریافت می کنند.

Peak health begins to decline when the body process called anabolism (cell growth) is overtaken by the opposite process, catabolism (cell death).

زمانی که فرآیند بدن به نام آنابولیسم (رشد سلولی) توسط فرآیند مخالف یعنی کاتابولیسم (مرگ سلولی) غلبه کند، اوج سلامت شروع به کاهش می کند.

"Cells have been dying since birth," 'says Tompkins, "but in our late 20's, they start dying faster than they are replaced". Also, muscle is replaced with fat.

تامپکینز می گوید: «سلول ها از بدو تولد می میرند، اما در اواخر دهه ۲۰ زندگی ما، سریع تر از جایگزین شدنشان شروع به مردن می کنند». همچنین ماهیچه با چربی جایگزین می شود.

Women also get an additional bonus of good health later in life:

زنان همچنین در آینده از مزایای سلامتی خوبی برخوردار می شوند:

National Institute of Health figures show that the onset of such "old age" diseases as arthritis, rheumatism, and heart ailments begin around age 60 in men, at age 65 in women.

ارقام موسسه ملی بهداشت نشان می دهد که شروع بیماری های «سالندی» مانند آرتریت، روماتیسم و بیماری های قلبی در مردان حدود ۶۰ سالگی و در زنان در سن ۶۵ سالگی شروع می شود.

It is hard to deny the generally greater fitness of women: Life expectancy for men is now 68.3; for women, 75.9. Says U.S. aging authority William Kannel, "Older women with low blood pressure are practically immortal."

انکار تناسب اندام بیشتر زنان دشوار است: امید به زندگی برای مردان در حال حاضر ۶۸٫۳ است. برای زنان، ۷۵٫۹. ویلیام کانل، مقام سالخورده ایالات متحده می گوید: «زنان مسن با فشار خون پایین عملاً جاودانه هستند.»

However, psychologists believe that by entering the competitive job market in increasing number, women may eventually give up their statistical advantage

با این حال، روانشناسان معتقدند که با ورود روزافزون به بازار کار رقابتی، زنان ممکن است در نهایت از مزیت آماری خود دست بکشند.

When Are You Most Likely to Develop Mental Disorders? From 30 to 35.

چه زمانی بیشتر احتمال دارد که به اختلالات روانی مبتلا شوید؟ از ۳۰ تا ۳۵

This surprisingly narrow peak is very real. The National Institute of Mental Health (NIMH) reports that more than half of the patients in mental hospitals, male and female, are in this age group (men leading women by about 20%).

این قله باریک شگفت آور بسیار واقعی است. مؤسسه ملی سلامت روان (NIMH) گزارش می دهد که بیش از نیمی از بیماران در بیمارستان های روانی، زن و مرد، در این گروه سنی هستند (مردان با حدود ۲۰ درصد از زنان پیشتر هستند).

But if we're neurotic between 30 and 35, apparently we recover quickly. Admissions to mental hospitals drop sharply around age 40 and stay down until age 65.

اما اگر بین ۳۰ تا ۳۵ سال روان رنجور باشیم، ظاهراً به سرعت بهبود می یابیم. پذیرش در بیمارستان های روانی در حدود ۴۰ سالگی به شدت کاهش می یابد و تا ۶۵ سالگی پایین می ماند.

Yet say psychiatrists, between ages 40 and 55, more people report they "feel" on the verge of a nervous breakdown. Relatively few actually occur. "We become veterans at coping", says psychologist Marvin Karllins.

اما اگر بین ۳۰ تا ۳۵ سال روان رنجور باشیم، ظاهراً به سرعت بهبود می یابیم. پذیرش در بیمارستان های روانی در حدود ۴۰ سالگی به شدت کاهش می یابد و تا ۶۵ سالگی پایین می ماند.

Suicide, a measure of mental problems, peaks from 20 to 24 and then again around 70. Incidences of suicide are smallest among people with intact marriages, highest among the divorced.

خودکشی، معیاری برای مشکلات روانی، از ۲۰ تا ۲۴ و سپس دوباره در حدود ۷۰ به اوج خود می رسد. موارد خودکشی در میان افرادی که ازدواج سالمی دارند کمتر است و در میان طلاق ها بیشترین میزان خودکشی است.

When Are You Happiest? You have the best physical sense of yourself from 15 to 24; the best professional sense from 40 to 49. Pessimism peaks between 30 and 39.

چه زمانی شادترین هستید؟ شما از ۱۵ تا ۲۴ بهترین حس فیزیکی خود را دارید. بهترین حس حرفه ای از ۴۰ تا ۴۹. بدبینی بین ۳۰ تا ۳۹ به اوج خود می رسد.

San Diego State University psychologists Marilyn Borges and Linda Dutton found that before age 24, we believe that our happiest years are yet to come: over 30, we believe that they're behind us.

مرلین بورخس و لیندا داتون، روانشناسان دانشگاه ایالتی سن دیگو دریافتند که قبل از ۲۴ سالگی، ما معتقدیم که شادترین سال های ما هنوز در راه است: بالای ۳۰ سال، ما معتقدیم که آنها پشت سر ما هستند.

A National Health Survey agrees: After age 39, we "become more realistic and do not view happiness as a goal in itself." If we maintain our health, achieve professional and emotional goals, then happiness, we feel, will follow.

یک نظرسنجی ملی سلامت موافق است: پس از ۳۹ سالگی، ما «واقع بین تر می شویم و شادی را به خودی خود یک هدف نمی بینیم.» اگر سلامتی خود را حفظ کنیم، به اهداف حرفه ای و عاطفی دست یابیم، احساس می کنیم شادی به دنبال خواهد داشت.

The American Institute of public opinion says that the pessimism peak occurs when we realize that talent and determination aren't enough to guarantee success. Lady Luck must help.

موسسه افکار عمومی آمریکا می گوید که اوج بدبینی زمانی اتفاق می افتد که متوجه شویم استعداد و اراده برای تضمین موفقیت کافی نیست.. شانس باید کمک کند.

Also, youth's good physical sense of self apparently does little to foster happiness. "Parents who tell their teenage children, "These are the happiest years." Says Ligget, "couldn't be more wrong. Adolescence is very difficult. Only when you are 40 and looking back does youth look blissful."

همچنین، ظاهراً حس بدنی خوب جوانان از خود کمک چندان به ایجاد شادی نمی کند. والدینی که به فرزندان نوجوان خود می گویند: «این سال ها شادترین سال ها هستند.» لیگت می گوید: «نمی توان اشتباه کرد. دوران نوجوانی خیلی سخت است. تنها زمانی که ۴۰ ساله هستید و به گذشته نگاه می کنید، جوانی سعادتمند به نظر می رسد.

When Does Your Sexual Drive Peak?

چه زمانی میل جنسی شما به اوج می رسد؟

Around 16 to 18 for men; between 35 and 40 for women.

حدود ۱۶ تا ۱۸ برای مردان؛ بین ۳۵ تا ۴۰ برای زنان

While the male's sex drive is diminishing, the female is reaching her sexual peak. Some psychologists believe that nature arranged it this way in order to control population.

در حالی که میل جنسی مرد در حال کاهش است، در زن ها به اوج جنسی خود می رسد. برخی از روانشناسان معتقدند که طبیعت برای کنترل جمعیت آن را به این ترتیب ترتیب داده است.

When Are You Most Creative? Generally between 30 and 39, but the peak varies with different professions.

چه زمانی بیشتر خلاق هستید؟ به طور کلی بین ۳۰ تا ۳۹، اما اوج در حرفه های مختلف متفاوت است.

Mozart wrote a symphony and four sonatas by age eight, and Mendelssohn composed his best known work, A Midsummer Night's Dream, at 17, but most of the great music was written by men between 33 and 39.

موتزارت در سن هشت سالگی یک سمفونی و چهار سونات نوشت و مندلسون در ۱۷ سالگی بهترین اثر خود را به نام «روای شب نیمه تابستان» ساخت، اما بیشتر موسیقی عالی توسط مردان بین ۳۳ تا ۳۹ نوشته شده بود.

In his monumental work, Aging and Achievement, psychologist H. C. Lehman presents the years for peak work in many fields: Grand opera (35 to 39), musical comedy (40 to 44) , short stories (30 to 34) and poetry (24 to -29 the earliest peak for all types of writing) , painting and sculpture (32 to 39), and economics (30 to 39) .

H. C. Lehman، روان شناس در اثر تاریخی خود، پیری و موفقیت، سال های اوج کار را در بسیاری از زمینه ها ارائه می کند: اپرای بزرگ (۳۵ تا ۳۹)، کمدی موزیکال (۴۰ تا ۴۴)، داستان های کوتاه (۳۰ تا ۳۴) و شعر (۲۴ تا ۲۹- اولین اوج برای انواع نویسندگی، نقاشی و مجسمه سازی (۳۲ تا ۳۹) و اقتصاد (۳۰ تا ۳۹).

Though the peak in most fields comes early—most Nobel prizewinners did their top research in their late 20's and 30's—creative people continue to produce quality work throughout their lives.

اگرچه اوج در بیشتر زمینه ها به اوج رسیده است، اغلب برندگان جایزه نوبل در اواخر دهه ۲۰ و ۳۰ تحقیقات خود را انجام دادند - افراد خلاق در طول زندگی خود به تولید آثار با کیفیت ادامه می دهند.

Psychologist Dr. John McLeish, in *The Ulyssean Adult*, explains that for the well-conditioned mind, "there is no upper limit. At 71 Tolstoy completed *Resurrection*, writing all of its 200000 words by longhand.

روانشناس دکتر جان مک لیش، در کتاب *بزرگسالان اولیس*، توضیح می دهد که برای ذهنی که به خوبی شرطی شده است، هیچ حد بالایی وجود ندارد. تولستوی در ۷۱ سالگی *رستاخیز* را تکمیل کرد و تمام ۲۰۰۰۰۰ کلمه آن را با دست بلند نوشت.

Voltaire wrote his marvelous satire *Candide* at 64. Will Durant began to write five volumes of the monumental *History of a Civilization* in collaboration with his wife, Ariel, when he was 69, and he finished at 89.

ولتر طنز شگفت انگیز خود را *کاندید* در ۶۴ سالگی نوشت. ویل دورانت در ۶۹ سالگی شروع به نوشتن پنج جلد از *تاریخ تاریخی* یک تمدن با همکاری همسرش آریل کرد و در ۸۹ سالگی به پایان رساند.

By viewing life's various peaks, we can easily get the feeling that we are part of a giant give-and-take plan. Though statistically the plan is there, we must remember that every peak has many exceptions. Says McLeish, "The human life journey cannot be charted by a single curving line."

با مشاهده قله های مختلف زندگی، به راحتی می توانیم این احساس را داشته باشیم که بخشی از یک برنامه بزرگ بده و بستان هستیم. اگرچه از نظر آماری این طرح وجود دارد، اما باید به خاطر داشته باشیم که هر قله استثنای زیادی دارد. مک لیش می گوید: «سفر زندگی انسان را نمی توان با یک خط منحنی ترسیم کرد.»

A. Read the following sentences and decide if based on the information provided in the text they are true or false. Then show your choice by writing T (for true) or F (for false) in the blank space next to each sentence.

1. People develop according to a definite plan. T

۱. افراد بر اساس یک برنامه مشخص رشد می کنند

2. Most primes happen in the earlier periods of life. F

۲. بیشتر پاداش ها در دوره های اولیه زندگی اتفاق می افتد.

3. The writer states that at every age you are, you have chance for development and progress. T

۳. نویسنده بیان می کند که در هر سنی که هستید، شانس پیشرفت و پیشرفت دارید.

4. When you are at college, your range of vocabulary is the highest. F

۴. وقتی در کالج هستید، دامنه واژگان شما در بالاترین حد است.

5. According to this article, women are generally healthier than men. T

۵. طبق این مقاله، زنان به طور کلی سالم تر از مردان هستند.

6. Between ages 40 and 65, there are the least cases of mental disorders. T

۶. در سنین ۴۰ تا ۶۵ سال کمترین اختلالات روانی وجود دارد.

7. The main goal in life for most people is to achieve happiness . F

۷. هدف اصلی زندگی برای اکثر مردم رسیدن به خوشبختی است.

8. According to the article, talent and hard work guarantee success. F

۸. طبق مقاله، استعداد و سخت کوشی موفقیت را تضمین می کند.

9. A young person's good physical sense of self helps his happiness. F

۹. حس بدنی خوب یک جوان به شادی او کمک می کند.

10. Creative people produce high level work throughout their lives. T

۱۰. افراد خلاق در طول زندگی خود کارهای سطح بالایی تولید می کنند.

11. The tone of this article is optimistic. T

۱۱. لحن این مقاله خوش بینانه است.

توجه: این تمرین B رو تو این درس جدی بگیرید چون این درس تمرین لغت نداره احتمال اومدن ریدینگ از این درس زیاده و با تمرین پایین هم میتونید به ریدینگ درس مسلط بشید:

B. Read the following sentences carefully and decide which one of the four options (a, b, c, or d) best completes each item.

1. It seems that the game of trade-offs mentioned by the writer - ----.

a. is true only for certain people

a. فقط برای افراد خاصی صادق است

b. has a lot of exceptions

b. استثنای زیادی دارد

c. may be independent of people's age

c. ممکن است مستقل از سن افراد باشد

d. occurs naturally for most people

d. به طور طبیعی برای اکثر افراد رخ می دهد

۱. به نظر می رسد که بازی معاوضه های ذکر شده توسط نویسنده ----.

2. The writer states that the game of life is -----..

a. often moving from good to better and finally to the best

a. اغلب از خوب به بهتر و در نهایت به بهترین حرکت می کنند

b. not always reasonable

b. همیشه معقول نیست

c. following a linear order for all people

c. پیروی از یک نظم خطی برای همه افراد

d. not often beneficial

d. اغلب مفید نیست

۲. نویسنده بیان می کند که بازی زندگی -----..

3. With increasing age -----.

a. sharpness is overtaken by wisdom

a. بر تیزبینی غلبه میشود توسط خرد (فعل رو بصورت مجهول باید معنی کنیم اینجا !!)

b. wisdom is overtaken by sharpness

b. بر خرد غلبه میشود توسط تیزبینی

c. both sharpness and wisdom climb

c. هم تیزبینی و هم خرد بالا می روند

d. both sharpness and wisdom decline

d. هم تیزبینی و هم خرد کاهش می یابد

۳. با افزایش سن -----.

4. The reason why women have a 5 year bonus is -----.

a. still unknown

a. هنوز ناشناخته

b. due to their physiological differences with men

b. به دلیل تفاوت های فیزیولوژیکی آنها با مردان

c. their longer life expectancy

c. امید به زندگی بیشتر آنها

d. their earlier maturity

۴. دلیل اینکه زنان ۵ سال پاداش دارند ----- است.

5. "Older women with low blood pressure are practically immortal." means:

a. Women who have lower blood pressure get old later

a. زنانی که فشار خون پایین تری دارند دیرتر پیر می شوند

b. Aging and blood pressure affect each other to a great extent

b. افزایش سن و فشار خون تا حد زیادی بر یکدیگر تأثیر می گذارد

c. Immortality depends on a person's degree of blood pressure.

c. جاودانگی به درجه فشار خون فرد بستگی دارد.

d. old women live longer provided they have low blood pressure.

d. زنان مسن بیشتر عمر می کنند به شرطی که فشار خون پایین داشته باشند.

۵. «زنان مسن با فشار خون پایین عملاً جاودانه هستند.» به معنای:

6. The last sentence in paragraph 4 implies that -----.

a. women are not suited to highly competitive job situations

a. زنان برای موقعیت های شغلی بسیار رقابتی مناسب نیستند

b. there may be a relationship between job stress and life expectancy

b. ممکن است بین استرس شغلی و امید به زندگی رابطه وجود داشته باشد

c. women don't like to have a longer life expectancy so they are entering the competitive job market

c. زنان دوست ندارند امید به زندگی بیشتری داشته باشند، بنابراین وارد بازار کار رقابتی می شوند

d. in future there are more competition between men and women for jobs

d. در آینده رقابت بین مردان و زنان برای مشاغل بیشتر خواهد شد

۶. جمله آخر در بند ۴ دلالت بر این دارد که -----.

7. Paragraph 6 ,5 and 7 are all related to -----.

a. suicide and its causes

a. خودکشی و علل آن

b. mental disorders

b. اختلالات روانی

c. the years people have more stress

c. سالها استرس مردم بیشتر است

d. ways to avoid mental disorders

d. راه های جلوگیری از اختلالات روانی

8. Paragraph 8 implies that happiness is viewed differently as people grow older.

a. usually increases

b. often decreases

c. is viewed differently

d. is seldom subject to change

d. به ندرت در معرض تغییر است

۸. بند ۸ دلالت بر این دارد که با افزایش سن افراد به شادی به گونه ای متفاوت نگریسته می شود.

9. According to paragraph 9, when people don't achieve their goals through talent or hard work they relate it to lack of chance.

a. must try harder

a. باید بیشتر تلاش کرد

b. usually seek new ways

b. معمولا به دنبال راه های جدید هستند

c. become disappointed

c. ناامید میشوند

d. relate it to lack of chance

۹. طبق بند ۹، وقتی افراد از طریق استعداد یا سخت کوشی به اهداف خود نمی رسند، آن را به عدم شانس مرتبط می دانند.

10. What Ligget says (paragraph 10) implies that young people don't value their youth as it is.

a. parents don't understand their children

a. والدین فرزندان خود را درک نمی کنند

b. young people don't value their youth as it is

c. at age forty people regret their youthfulness

c. در چهل سالگی از جوانی خود پشیمان می شوند

d. the more experienced people get, the happier they are

d. هرچه افراد باتجربه تر باشند، شادتر هستند

۱۰. آنچه لیگت می گوید (بند ۱۰) به این معناست که جوانان برای جوانی خود آنطور که هست ارزش قائل نیستند.

11. Paragraph 13 implies that creative people produce fine works throughout their lives.

a. creative people do not produce quality work after their peak

a. افراد خلاق پس از اوج کار خود کار با کیفیتی تولید نمی کنند

b. the peak in most fields occurs late in life

b. اوج در بیشتر زمینه ها در اواخر زندگی اتفاق می افتد

c. creative people produce fine works throughout their lives

d. the peak in a field is largely dependent on the person's talent

d. اوج در یک زمینه تا حد زیادی به استعداد فرد بستگی دارد

۱۱. بند ۱۳ دلالت بر این دارد که افراد خلاق در طول زندگی خود آثار خوب تولید می کنند.

12. The last sentence in paragraph fourteen means that there are different stages and peaks in people's life

a. the human life journey should be drawn with a straight line

a. سفر زندگی انسان باید با یک خط مستقیم ترسیم شود

b. people should stay in one place and not move around so much

b. مردم باید در یک مکان بمانند و اینقدر جابجا نشوند

c. people are different, and their lives are different

c. مردم متفاوت هستند و زندگی آنها متفاوت است

d. there are different stages and peaks in people's life

۱۲. جمله آخر بند چهارده به این معنی است که مراحل و اوج های مختلفی در زندگی افراد وجود دارد.

13. The main idea of the whole reading selection is that the different periods of life are related to different kinds of achievements.

a. there is no pattern for achievement; you have to look at each person's life separately

a. هیچ الگویی برای موفقیت وجود ندارد. شما باید به زندگی هر فرد جداگانه نگاه کنید

b. men and women have different peaks in their lives

b. زن و مرد در زندگی خود اوج های متفاوتی دارند

c. most primes usually peak early in life

بهترین قسمت زندگی در اوایل جوانی به اوج میرسند

d. the different periods of life are related to different kinds of achievements

۱۳. ایده اصلی کل متن این است که دوره های مختلف زندگی با انواع مختلفی از دستاوردها مرتبط است.

C. Match the words in column I with their equivalents in column II.

I	II
1.peak (v) اوج / قله / بالاترین درجه / به اوج خود (j) رسیدن	a.origin منشا / اصل و نسب
2.thoroughness (g) دقت / توجه	b.characteristic مشخصه / ویژگی
3.cope with کنار آمدن با / مقابله با / از پس چیزی (e) برآمدن	c.express بیان کردن
4.onset (i) آغاز / شروع	d.important مهم
5.diminish (l) کاهش دادن / فروکش کردن	e.handle ; mange مدیریت کردن
6.in collabration (h) همراه با / باهمکاری	f.attraction to danger جذب خطر
7.root (a) ریشه / منشا	g.the state of doing things very carefully and completely حالت انجام کارها با دقت و کامل
8.significant (d) مهم	h. together با یکدیگر / باهم
9.startling (k) حیرت آور	i. to begining of something به شروع چیزی
10.trait (b) ویژگی	j. to reach the highest point or value برای رسیدن به بالاترین نقطه یا ارزش
11.thrill seeking (f) ماجراجویی	k.surprising شگفت آور
12.spell out هجی کردن / باجزئیات توضیح دادن (c)	l. decrease ; go down کم شدن / کم کردن / کاهش

D.Fill in the blank using the words in the list

heritable ارثی	onset آغاز	diminish کاهش دادن / فروکش کردن	determines تعیین کردن
collabration همکاری	identity هویت	thoroughness دقت / توجه	trait ویژگی

1. Researchers are studying identical twins to learn the degree to which nature and nurture determines personal characteristics.

۱. محققان در حال مطالعه بر روی دوقلوهای همسان هستند تا میزان تعیین کننده ویژگی های شخصی توسط طبیعت و تربیت را بیاموزند.

2. Today, we know that both nature and nurture determine a person's identity

۲. امروزه می دانیم که هم طبیعت و هم تربیت هویت یک فرد را تعیین می کنند

3. Examples of characteristics that are heritable to some degree are optimism , pessimism, happiness , thrill seeking and choice of career.

۳. نمونه هایی از ویژگی هایی که تا حدی قابل وراثت هستند عبارتند از: خوش بینی، بدبینی، شادی، هیجان طلبی و انتخاب شغل .

4. It is a genetic trait that causes deafness at an early age.

۴. یک صفت ژنتیکی است که باعث ناشنوایی در سنین پایین می شود.

5. As we age, some abilities diminish while others rise.

۵. با افزایش سن، برخی از توانایی ها کاهش می یابد در حالی که برخی دیگر افزایش می یابد.

6. The new treatment can delay the onset of the disease by several years.

۶. درمان جدید می تواند شروع بیماری را چندین سال به تاخیر بیندازد.

7. I was impressed by her thoroughness and believe that her success was mainly due to this quality not good luck.

۷. من تحت تأثیر دقت او قرار گرفتم و معتقدم که موفقیت او عمدتاً به دلیل این ویژگی بود نه خوش شانسی.

8. The instructor performed the project in collabration with one of her students.

۸. مربی پروژه را با همکاری یکی از شاگردانش اجرا کرد.

E. Choose the correct form of the words in the blanks.

Verb	Noun	Adjective	Adverb
predict	prediction	predictable	
پیش بینی کردن	پیش بینی	قابل پیش بینی	

a. No one can predict when the disease will strike again.

ترجمه: هیچ کس نمی تواند پیش بینی کند که این بیماری چه زمانی دوباره شروع می شود.

گرامر: هیچ کس نمی تواند زمانی که بیماری دوباره بروز خواهد کرد. با توجه معنی جمله قسمت اول جمله فعل نداره و کامل نیست فعل میاریم فعل predict و فعل ساده باید بیاریم چون بعد افعال modal شامل (can , could , may , will) (فعل ساده می آید . یعنی بدون to و ing ..)

b. prediction is a skill which can be enhanced with experience.

ترجمه: پیش بینی مهارتی است که با تجربه می توان آن را تقویت کرد.

گرامر: اول جمله تابلونه فاعل میخوای دیگه اسم بیار. از ترجمه هم میشه فهمید نوشته هست یک مهارتی که ...؟ خوب اولش اسم میخوایم

c. Some believe that the behavioral traits of people are predictable if you know how their parents behaved.

ترجمه: برخی معتقدند که اگر رفتار والدین افراد را بدانید، ویژگی های رفتاری افراد قابل پیش بینی است.

گرامر: باید صفتی بیاریم که اون ویژگی های رفتاری افراد رو توصیف کنه که یه اسمه .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
achieve	achievement	achievable	
به دست آوردن	دستاورد	دست یافتنی	

a. There have been a lot of achievements in the field of medicine.

گرامر: میگه وجود داره تعداد زیادی در زمینه پزشکی . خدایی معنیش کن میبینی اسم میخواد دیگه تعداد زیادی دستاورد

این خیلی ! مهمه بنظم !

در زبان انگلیسی «a lot of» به میزان زیاد اشاره دارد و می توان برای کلمات قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار برد. اما این نکته را به یاد داشته باشید که اگر «a lot of» قبل از اسم قابل شمارش بیاید، اسم به صورت جمع و اگر قبل از اسم غیر قابل شمارش بیاید، اسم به شکل مفرد به کار می رود.

b. Before you set your objectives, make sure that they are achievable

ترجمه: قبل از اینکه اهداف خود را تعیین کنید، مطمئن شوید که آنها قابل دستیابی هستند

گرامر: صفت میخواد اول یه ترجمه کن جملرو: قبل از تعیین اهداف خود، مطمئن شوید که آنها -----: آنها چی؟؟ یه صفت میخوایم توصیف کنیم اسم رو که همون اهداف هستند

c. Unrealistic ambitions cannot easily be achieved.

ترجمه: به راحتی نمی توان به جاه طلبی های غیر واقعی دست یافت.

گرامر: باز ترجمه کن ببین چی میخواد؟ جاه طلبی های غیر واقعی نمی توانند به راحتی -----: جواب: در این جمله فعل میخوایم achieved میاریم چرا ed گرفته؟ مجهوله جمله اش و be هم برای این حالت ساده اش اومده چون cannot داریم قبل ترش.

Verb	Noun	Adjective	Adverb
mature	maturity	mature	
بالغ شدن	پختگی	بالغ	

a. Humans mature after a much longer time than other animals.

ترجمه: انسان پس از مدت زمان طولانی تری نسبت به سایر حیوانات بالغ می شود.

گرامر: انسان ----- پس از مدت زمان بسیار طولانی تری نسبت به سایر حیوانات. جمله رو بخونی مشخصه فعل نداره و کامل نیست باید فعل بیاریم

b. He is very mature for his age.

ترجمه: او نسبت به سن خود بسیار بالغ است.

گرامر: بعد very قید میاد یا صفت که ما میخوایم اون پسر رو توصیف کنیم و یه اسمو توصیف میکنیم پس صفت میخوایم.

c.maturity is an important quality for anyone in a managerial post.

گرامر: اینجا اول جمله فاعل میخواد maturity رو میاریم از روی ترجمه هم میشه فهمید انگار اومده یک اسم رو تعریف کنه

ترجمه: بلوغ یک کیفیت مهم برای هر کسی در یک پست مدیریتی است.

Verb	Noun	Adjective	Adverb
create	creator	creative	creatively
خلق کردن	خالق	خلاق ، خلاقانه	به طور خلاقانه
	creation		
	خلقت		
	creativity		
	خلاقیت		

a. Every teacher should try to create a positive atmosphere in his or her class.

ترجمه: هر معلمی باید سعی کند فضای مثبتی را در کلاس خود ایجاد کند.

گرامر: هر معلمی باید سعی کند تا؛ قبلا هم گفتم بعد to که به معنی تا هست فعل میاریم؛ سعی کند تا!!!! چیکار کنه؟؟

b. Although education can foster creativity, there have been many creative people without university degrees.

ترجمه: اگرچه آموزش می تواند خلاقیت را تقویت کند، افراد خلاق بسیاری بدون مدرک دانشگاهی وجود داشته اند.

گرامر: اگرچه آموزش می تواند ---- را پرورش دهد، اما بسیاری از افراد ---- بدون مدرک دانشگاهی وجود داشته اند.

جاخالی اولی : جواب همیشه خلاقیت . از روی ترجمه راحت میشه فهمید (creativity)

جاخالی دوم : جواب همیشه خلاق . (Creative)

c. Nobody knows who was the creator of white lab coats in the field of science.

ترجمه: هیچ کس نمی داند که خالق کت های سفید آزمایشگاهی در زمینه علم چه کسی بوده است.

گرامر: the او آمده و اسم میخوایم و از روی ترجمه هم creator جواب است .

d. Wealth creation is the only goal for many people.

ترجمه: تولید ثروت تنها هدف بسیاری از مردم است.

گرامر: wealth به معنی ثروت اسم و بعدش هم اسم میاریم که ترکیب مضاف و مضاف الیه رو بسازیم

e. People can be more creative if they make use of their mind creatively

ترجمه: اگر افراد خلاقانه از ذهن خود استفاده کنند، می توانند خلاق تر باشند

گرامر: از روی ترجمه جواب بدیم : مردم میتوانند بیشتر ... باشند اگر آنها از ذهن خود استفاده کنند ؛ خب مشخصه برای قسمت اول صفت میخوایم . و قسمت دوم قید .

قسمت اول مردم رو توصیف میکنیم و قسمت دوم فعل استفاده کردن رو حتی از روی ترجمه همیشه فهمید .

جواب جاخالی اول: creative : خلاق

جواب جاخالی دوم: creatively : بطور خلاقانه ای .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
	personality	personal	personally
	شخصیت	شخصی	شخصاً

a. He believes that parents should be made personally responsible for their children's behavior.

ترجمه: او معتقد است که والدین باید شخصاً مسئول رفتار فرزندان شان باشند.

گرامر: او معتقد است که والدین باید ----- مسئول رفتار فرزندان شان باشند. جمله کامله و تنها چیزی که میخواد بنظر قید هست و کلمه شخصاً (personally) معنی میده . از لحاظ گرامریم داریم فعل مسئول بودن رو توصیف میکنیم و قید میخوایم .

b. I don't know what anyone else thinks, but my personal view is that students should be made to work more outside the classroom.

ترجمه: من نمی دانم نظر دیگران چیست، اما نظر شخصی من این است که دانش آموزان باید بیشتر در خارج از کلاس درس کار کنند.

گرامر: بعد my باید اسم بیاد که view اومدخ قبلش صفت میاریم . یعنی personal

c. A **personality** disorder is any of a number of mental illnesses, which are characterized by difficulties in relations to your surroundings and to other people and in maintaining a fixed image of yourself .

ترجمه: اختلال شخصیت هر یک از تعدادی از بیماری های روانی است که با مشکلاتی در روابط با اطرافیان و افراد دیگر و در حفظ تصویری ثابت از خود مشخص می شود.

گرامر: ترجمه اش جواب رو میگو که مضاف و مضاف الیه میخوایم .

توجه: درسته قبل اسم میتونه صفت بیاد ولی ترجمه رو هم دقت کن اینجا اسم میخوایم .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
identify	identity	identical	
شناسایی کردن	هویت	همانند	
	identification	identifiable	
	شناسایی ، مدرک شناسایی	قابل شناسایی	

a. Some psychologists believe that people's occupations give them a sense of **identity**

ترجمه: برخی از روانشناسان معتقدند که مشاغل افراد به آنها احساس هویت می دهد

گرامر: بعد of اسم می آید و از ترجمه میشه فهمید هویت درسته .

b. identical twins are two children who come from the same egg in the mother and so are the same sex and look extremely similar.

ترجمه: دوقلوهای همسان دو فرزندی هستند که از یک تخمک در مادر به وجود می آیند و به همین ترتیب از یک جنس هستند و بسیار شبیه به هم هستند.

گرامر: دوقلوها اسمی که قبلش باید صفت بیاد .

c. The cause or causes of a disease can be found through identifiable signs and symptoms.

ترجمه: علت یا علل یک بیماری را می توان از طریق علائم و نشانه های قابل شناسایی یافت.

گرامر: signs اسمی قبلش صفت میخواد

d. Each medical record must have a number for easy identification

ترجمه: هر پرونده پزشکی باید دارای یک شماره برای شناسایی آسان باشد

گرامر: بعد easy که صفتی اسم میخوایم

Verb	Noun	Adjective	Adverb
inherit	heredity	hereditary	
به ارث بردن	وراثت	ارشی	
	heritability	heritable	
	وراثت پذیری	قابل به ارث بردن	

a. Epilepsy is hereditary in her family.

ترجمه: صرع در خانواده او ارثی است.

گرامر: ترجمه اش داد میزنه صفت میخواد

b. The debate over the effects of heredity and environment is still continuing.

ترجمه: بحث در مورد اثرات وراثت و محیط هنوز ادامه دارد.

گرامر: بعد of اسم میخوایم

c. The study of identical twins has shed some light on the heritability of behavior characteristics.

ترجمه: بحث در مورد اثرات وراثت و محیط هنوز ادامه دارد.

گرامر: بعد the اسم میخوایم .

d. He has inherited his mother's patience.

ترجمه: او صبر مادرش را به ارث برده است.

گرامر: چرا ed گرفت؟ گفتیم بعد have و has باید فعل P.P باشد. اگه بدون اون جای خالی هم جمله رو معنی کنیم جمله ناکامله و نیاز به فعل داره .

e. Some believe that even money –making ambition can be heritable.

ترجمه: برخی بر این باورند که حتی جاه طلبی پول سازی نیز می تواند ارثی باشد.

گرامر: خب میخوایم یه اسم رو توصیف کنیم جاه طلبی رو که و بگیریم قابل ارث بردنه که صفت باید بیاریم

F. Fill in the blank using the words in the list

an estimated	the mysteries of
hair color, eye color and height	shapes life
diabetes or some kinds of cancer	new treatments
linked together	

Scientists are finished with the Human Genome Project. Mapping the position of every human gene is a major step in the history of science. Officials have announced the completion of the effort to identify all the chemical pieces in DNA, the genetic material that shapes life. The human genome is a map of our genetic structure. This structure is built from more than three-thousand million chemical pieces linked together. These pieces are organized into genes, an estimated thirty-thousand of them. The chain decides such things as physical appearance, like hair color, eye color and height but also much more. Genes can make a person more or less susceptible to such diseases as diabetes or some kinds of cancer.

دانشمندان پروژه ژنوم انسانی را به پایان رساندند. نقشه برداری از موقعیت هر ژن انسانی گام بزرگی در تاریخ علم است. مقامات از تکمیل تلاش برای شناسایی تمام قطعات شیمیایی موجود در DNA، ماده ژنتیکی که زندگی را شکل می دهد، خبر داده اند. ژنوم انسان نقشه ساختار ژنتیکی ماست. این ساختار از بیش از سه هزار میلیون قطعه شیمیایی متصل به هم ساخته شده است. این زنجیر چیزهایی مانند ظاهر فیزیکی، مانند رنگ مو، رنگ چشم و قد و همچنین موارد دیگر را تعیین می کند. ژن ها می توانند فرد را کم و بیش مستعد ابتلا به بیماری هایی مانند دیابت یا انواع سرطان کنند.

This genetic map will guide scientists as they study the mysteries of health or disease. Scientists hope to speed up to develop genetic treatments. These new treatments could fight some diseases on the level of cells and genes.

این نقشه ژنتیکی دانشمندان را در حین مطالعه اسرار سلامت یا بیماری راهنمایی می کند. دانشمندان امیدوارند که به توسعه درمان های ژنتیکی سرعت ببخشند. این درمان های جدید می تواند با برخی بیماری ها در سطح سلول ها و ژن ها مبارزه کند.